

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

### بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه شهرستان دورود در سال تحصیلی 1392-1393

1- بهروز بیرانوند (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی) BehroozByranvand@yahoo.com

2- رودابه بیرانوند (کارشناس مطالعات اجتماعی) Roodabeh.Beiranvand167@gmail.com

#### چکیده

تحقیق حاضر با عنوان رابطه بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه شهرستان دورود در سال تحصیلی 1392-1393 انجام گرفت. روش تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی می باشد و جامعه آماری شامل کلیه مدیران مدارس متوسطه می باشند. با توجه به تعداد پایین مدیران، حجم نمونه با جامعه آماری مدیران برابر است (101 مدیر). روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی (جداول فراوانی، میانگین، انحراف معیار و نمودارهای مربوطه) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t گروه های مستقل و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام) که از نرم افزار spss استفاده گردید. نتایج پژوهش وجود رابطه معنادار بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن با هوش هیجانی مدیران را تایید می کند.

**کلیدواژگان:** ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری، هوش هیجانی.



## مقدمه

اکثر انسان‌ها بیشترین وقت از زندگانی خود را در محیط کاری و در تعامل با دیگران سپری می‌کنند به منظور برقراری تعاملات موثر با دیگران و لذت بردن از زندگی در میان آن‌ها، نیاز به مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی می‌باشد که علاوه بر این موارد اخیراً هوش هیجانی نیز مورد توجه اکثر دانشمندان قرار گرفته است و در عین حال هنوز اغلب مردم هنگام شنیدن این موضوع با تعجب می‌پرسند: هوش هیجانی چیست؟ هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های است که کمک می‌کند در زندگی شخصی یا شغلی دیگران رابطه دوستانه و مداراگرایانه برقرار کنیم (گل‌من<sup>1</sup>، 1995). هوش هیجانی توانایی درک هیجان‌ها و عواطف به منظور دستیابی به ایجاد هیجان‌هایی است که ضمن کمک به تفکر بهتر بتواند منجر به شناخت هیجان‌ها و عواطف نیز گردد (مایر و سالووی<sup>2</sup>، 2002، ص 30). هر فردی که ذهن باز دارد، درمقابل ادراکات تازه حساس است، دارای نیروی متمرکز می‌باشد و می‌تواند ادراکات مختلف را با هم مربوط سازد، از ذهنیت فلسفی برخوردار است. فردی که ذهن فلسفی دارد، علاقه شدیدی به دانستن دارد و این علاقه را با احتیاط زیاد در مورد باورهایش ترکیب می‌کند. او ذهنی منطقی داشته و عادت به درست فکر کردن دارد (اسمیت و هولفیش<sup>3</sup>، 1373، ص 76). ذهنیت فلسفی، معادل روح فلسفی خصوصیتی است که در رفتار و طرز فکر فیلسوف، برخورد وی با دیگران، روبرو شدن با مشکلات و بطور کلی در کلیه شئون زندگی وی به چشم می‌خورد و باعث تمایز او از دیگران می‌شود (شریعت‌مداری، 1373، ص 73). ذهنیت فلسفی، ساختن منش است که عبارت است از شکل دادن عادات، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که تفکر و قضاوت صحیح بر آن حاکم باشد (اسمیت، 1382، ص 50). از آنجا که ذهنیت فلسفی مدیران زمینه ساز رفتار و عملکرد آنان است و مدیران موفق به دلیل داشتن ابعاد ذهنیت فلسفی و در نتیجه آن، با هوش هیجانی خود می‌توانند بر عملکرد سازمان و مدرسه خود مؤثر باشند، در این تحقیق رابطه ذهنیت فلسفی و ابعاد آن با هوش هیجانی مدارس متوسطه شهرستان دورود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## بیان مسئله

هوش هیجانی به عنوان یک بحث علمی در روان‌شناسی نزدیک به دو دهه است در جهان و اندکی دیرتر در ایران مطرح است و اهمیت آن با بروز تحولات اجتماعی مربوط به عصر صنعتی و فراصنعتی به ویژه در گستره روابط میان فردی در محیط تحصیل، کار و خانواده نمود بیشتری یافته است (گل‌من، 1382، ص 40). مایر و سالووی<sup>4</sup> (1993) هوش هیجانی را توانایی درک درست محیط پیرامون خود، خود انگیزی، شناخت و کنترل احساسات خویش بطوری که این فرآیند بتواند جریان تفکر و ارتباط را تسهیل کند تعریف کرده اند. سالووی مبنای توصیف خود را از هوش هیجانی به پنج حیطه اصلی گسترش می‌دهد: 1- شناخت شخصی 2- بکار بردن هیجانی 3- برانگیختن خود 4- شناخت عواطف دیگران 5- حفظ ارتباط. دانیل گل‌من (1995) هوش هیجانی را از هوش شناختی جدا کرده و چارچوب مفهومی جدیدی در مورد صلاحیت یا آمادگی هیجانی می‌باشد، که منظور وی توانایی آموخته شده براساس هوش هیجانی فرد است که پیامد و نتیجه آن در عملکرد کاری فرد روشن است. وی اجزاء تشکیل دهنده هوش هیجانی را شامل: 1- خودآگاهی 2- خود نظم‌دهی 3- خود انگیزگی 4- مهارت همدلی 5- مهارت اجتماعی می‌داند. آنچه واضح است این است که مهارت‌های چهارم و پنجم مستقیماً با کارکردهای رهبری و مدیریت در ارتباط می‌باشند. اما با کمی تأمل متوجه خواهیم شد که مهارت خود نظم‌دهی و خودآگاهی و خودانگیزگی در جهت ایجاد امید و رفتاری که به آن پشتکاری می‌گویند برای یک مدیر از

1 - Golman

2 - Mayer, Salvoy

3 - Smit, Holfish

4 - Mayer, Salvoy



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

اهمیت ویژه ای برخوردار است. به طور مسلم یک مدیر تحصیل کرده، مجرب و دانا و آگاه و دارای ذهنیت فلسفی و تفکر خلاق و انعطاف پذیر به اصول و وظایف مدیریتی و رهبری که بتواند دانش و تجارب خود را متناسب با هر عمل و زمان انجام آن انتظام بخشد می تواند زمینه رشد و تعالی سازمان و باعث بالا رفتن روحیه دبیران و کارکنان و شاگردان جهت رسیدن به اهداف مطلوب را فراهم آورد (علاقه بند، 1371، ص130). اسمیت (1382) ذهن فلسفی را از سه بعد مرتبط، متشکل می‌داند که هر بعد نیز دارای چهار نشانه است: **بعد جامعیت**- نگرستن به موارد خاص<sup>5</sup> در ارتباط با زمینه ای وسیع<sup>2</sup>- ارتباط دادن مسائل آنی<sup>6</sup> به هدف های درازمدت<sup>3</sup>- به کار بردن قوه تعمیم<sup>7</sup>-<sup>4</sup>- شکیبایی در تفکرات عمیق نظری<sup>8</sup> **بعد تعمق 1**- زیر سؤال بردن آنچه باید مهم تلقی شود.<sup>2</sup>- کشف و تدوین بنیادها<sup>9</sup>- کاربرد حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی و رابطه ای می باشند.<sup>4</sup>- مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی- قیاسی<sup>10</sup>. **بعد انعطاف پذیری: 1**- رها شدن از جمود روان شناختی<sup>11</sup>. <sup>2</sup>- ارزش یابی افکار و نظریات جدا از منبع آن ها.<sup>3</sup>- دیدن مسائل یا جهات متعدد آن ها و ایجاد جانشین هایی برای فرضیه ها، جنبه های مورد نظر، انتظارات و غیره.<sup>4</sup>- شکیبایی در قضاوت موقت و مشروط<sup>12</sup>. اسمیت (1965) تحقیقی به منظور بررسی تاثیر ذهنیت فلسفی بر روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و همچنین بر روحیه کارکنان مدارس ویرجینیا انجام داد. نمونه آماری از مدیران 46 مدرسه در این ایالت انتخاب شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب، میزان خلاقیت مدیران و با روحیه کارکنان رابطه مستقیم وجود دارد (سیف هاشمی، 1382: 39). جوانمرد (1380) در تحقیقی با هدف کلی بررسی ادراکات مدیران و دبیران نسبت به مهارت های روابط انسانی مدیران دبیرستان های شهر اصفهان انجام داد. یافته های تحقیق نشان داد که بر اساس ادراکات مدیران، بیشترین مهارت آنان در بعد برقراری اعتماد و کمترین مهارت آنان در بعد انگیزش کارکنان بود. از نظر دبیران، بیشترین مهارت مدیران در بعد ارتباط و کمترین مهارت آنان در بعد خودآشکارسازی بود. همچنین مشخص شد که مدیران زن توانایی بیشتری از مردان در برخورداری ارتباط و مهارت های انسانی دارند. بارساد<sup>13</sup> (2000) از دانشکده بیل در مطالعه ای که راجع به شناخت هیجانی انجام داد، دریافت که گسترش هیجانهای مثبت در داخل گروهها، همکاری و مشارکت اعضای گروه را تسهیل کرده، تعرض را کاهش داده و میزان کارآیی اعضای گروه را بهبود می بخشد (مختاری پور و مهیاری، 1384: 19) بنابراین با توجه به تعاریف و مطالب گفته شده و تاثیری که هر کدام از ابعاد ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی به تنهایی می‌توانند بر مدیران مدارس داشته باشند هدف کلی در این پژوهش بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه شهرستان دورود می باشد. از آنجا که ذهنیت فلسفی ابعاد مختلف دارد، پس هدف نخست آن است که رابطه ابعاد ذهنیت فلسفی مدیران و هوش هیجانی آنان مشخص شود، دوم این که تعیین شود کدامیک از ابعاد ذهنیت فلسفی سطح بالاتری را داراست؟ و بالاخره تعیین شود بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی با ویژگی های دموگرافیک (سن، جنس، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی) مدیران مدارس متوسطه رابطه وجود دارد؟

5 - Particulars

6 - Immediute

7 - Genelaliation

8 - Theoretical

9 - Fundamentals

10 - Abductive- Deductive

11 - Psychological rigidty

12 - Suspended

13 - Barsad

## اهمیت و ضرورت پژوهش

فردی که از نظر بهره هوشی در سطح بالا، ولی فاقد هوش هیجانی باشد تقریباً کاریکاتوری از یک آدم موفق و خردمند است، در قلمرو ذهن، چیره دست ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف می‌باشد (گلمن، 1995). گلمن بیان می‌کند که در بهترین شرایط، همبستگی اندکی بین هوش عمومی و برخی از ابعاد هوش هیجانی وجود دارد به طوری که می‌توان ادعا کرد آنها عمدتاً ماهیت مستقل دارند. وقتی افراد دارای هوش عمومی بالا در زندگی تقلا می‌کنند و افراد دارای هوش متوسط به طور شگفت آوری پیشرفت می‌کنند، شاید بتوان آن را به هوش هیجانی بالای آن نسبت داد.

هوش هیجانی استفاده هوشمندانه از عواطف است. به این صورت که شما آگاهانه از عواطف خود استفاده می‌کنید و رفتار و تفکرات خود را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنید تا به نتایج جالب توجهی دست یابید (وی سینگر<sup>14</sup>، 1998). عملکرد افراد تحت تأثیر متغیرهای زیادی قرار می‌گیرد. یکی از مهمترین این متغیرها، ذهنیت فلسفی افراد است. بنابراین مدیر یک مدرسه علاوه بر هوش هیجانی باید دارای ذهن فلسفی نیز باشد و علاقه زیادی به دانستن داشته باشد و همچنین عادت به تفکر و قضاوت صحیح، ارزش گذاری و توانایی کاربرد آن در محیط کار و زندگی را داشته باشد. از جمله ویژگی‌های لازم در امور مدیریت برخورداری مدیر از ذهنیت فلسفی است یعنی مدیری که همگام با پیشرفت روزافزون جامعه بتواند برای آینده برنامه‌ریزی کند قدرت جمع بندی، پیوند دادن مدارک و شواهد و پرورش خلاقیت را داشته باشد. از این رو، ذهنیت فلسفی مدیران در سه بعد: جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## اهداف پژوهش

هر تحقیقی برای دست یابی به اهدافی خاص صورت می‌گیرد که با توجه به موضوع تحقیق حاضر: یعنی بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه. اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

### هدف کلی

شناسایی رابطه سطح ذهنیت فلسفی مدیران با هوش هیجانی آنان در مدارس متوسطه شهرستان دورود.

### اهداف جزئی

- 1- شناسایی رابطه جامعیت مدیران متوسطه با هوش هیجانی آنان.
- 2- شناسایی رابطه تعمق مدیران متوسطه با هوش هیجانی آنان.
- 3- شناسایی رابطه انعطاف پذیری مدیران متوسطه با هوش هیجانی آنان.
- 4- بررسی رابطه ویژگی‌های دموگرافی مدیران (سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات، سنوات خدمت) با هوش هیجانی و ذهنیت فلسفی آنان.

## فرضیه های تحقیق

- 1- بین ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد.
- 2- بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد.
- 3- بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی مدیران و هوش هیجانی آنان رابطه وجود دارد.
- 4- بین انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی مدیران و هوش هیجانی آنان رابطه وجود دارد.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

5- بین ویژگی‌های دموگرافی مدیران (سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات، سنوات خدمت) با هوش هیجانی و ذهنیت فلسفی آنان رابطه وجود دارد.

**تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:** ذهنیت فلسفی معادل روح فلسفی است و آن نوعی حرکت ذهن است که باعث می‌شود فرد در برخورد با مسائل و پدیده‌های مختلف با جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری مواجهه شود. ذهنیت فلسفی همان طرز تفکر صحیح و علمی قلمداد می‌شود (فیلیپ. اسمیت، به نقل از محمد رضا بهرنگی، 1382). تعریف عملیاتی ذهنیت فلسفی بر حسب نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه 30 گویه ای ذهنیت فلسفی مدل اسمیت کسب کرده است. **تعریف مفهومی ابعاد ذهنیت فلسفی: جامعیت:** در این زمینه فردی که دارای ذهن فلسفی است، امور مخصوص را در یک زمینه وسیع با هم مربوط می‌سازد (شریعتمداری، 1374). جامعیت از ما می‌خواهد که در برابر فشار آنی مقاومت کنیم و به مسائل خود، بر اساس هدفهای درازمدت بنگریم. در انجام چنین کاری، قدرت تعمیم، خلاق را بدست آوریم و به کار بریم، ولی رشد یک شکیبایی برای تفکرات عمیق نظری، پیش نیازی برای آن است (اسمیت، به نقل از بهرنگی، 1382). **تعمق:** در این زمینه نیز فرد دارای ذهن فلسفی، اموری را که دیگران بدیهی و مسلم فرض می‌کنند، مورد سؤال قرار می‌دهد، از راه ژرف اندیشی جنبه‌های اساسی مسائل را مشخص می‌سازد و در برخورد با هر نظریه یا مکتب، اصول یا مبانی آنها را مشخص می‌کند (اسمیت، به نقل از بهرنگی، 1382). **قابلیت انعطاف‌پذیری:** فردی که از ذهنیت فلسفی برخوردار است، دچار جمود روانی نمی‌شود و مسائل تازه، شباهت‌های سطحی یا حوادث غیرمنتظره، جنبه منطقی فکری او را مختل نمی‌سازد (اسمیت، به نقل از بهرنگی، 1382). **تعریف عملیاتی ابعاد ذهنیت فلسفی: بعد جامعیت:** در این تحقیق بعد جامعیت ذهنیت فلسفی با سوالات شماره 1 الی 10 از پرسشنامه ذهنیت فلسفی مدل اسمیت که با طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد و نمره بدست آمده از اجرای این سوالات مصداق بعد جامعیت خواهد بود. **بعد تعمق:** در این تحقیق بعد تعمق ذهنیت فلسفی با سوالات شماره 11 الی 20 از پرسشنامه ذهنیت فلسفی مدل اسمیت که با طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد و نمره بدست آمده از اجرای این سوالات مصداق بعد تعمق خواهد بود. **بعد انعطاف پذیری:** در این تحقیق بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با سوالات شماره 21 الی 30 از پرسشنامه ذهنیت فلسفی مدل اسمیت که با طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد و نمره بدست آمده از اجرای این سوالات مصداق بعد انعطاف پذیری خواهد بود. **تعریف مفهومی هوش هیجانی** تعریف هوش هیجانی از دیدگاه گلمن: شامل ظرفیت فردی برای قبول واقعیات، گشودگی به تجربه، توانایی حل مشکلات هیجانی، توانایی مقابله با استرس، و تکانه‌ها می‌شود (گلمن، 1995). مایر و سالووی<sup>15</sup> (1993)، هوش هیجانی را توانایی درک درست محیط پیرامون خود، خود انگیزی، شناخت و کنترل احساسات خویش به طوری که این فرآیند بتواند جریان تفکر و ارتباط را تسهیل کند تعریف کرده اند. بار-اون<sup>16</sup> (1998): هوش هیجانی را نظامی از مهارت‌ها و کارایی‌های شخصی دانست که بر توانایی او برای موفقیت در مقابله با بحران و رویارویی‌های محیطی تأثیر می‌گذارد. **تعریف عملیاتی هوش هیجانی** بر حسب نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه 28 گویه ای پرسشنامه هوش هیجانی سیبریاشرینگ کسب کرده است. در مورد ذهنیت فلسفی می‌توان گفت: ذهنیت فلسفی صرفاً نه از پر کردن مغز با محتوای دروس فلسفی و نه از گرایش به یک فلسفه نسبت به فلسفه دیگر بلکه از مجادله فلسفی حاصل می‌شود. ذهنیت فلسفی بر حسب فعالیتی بوجود می‌آید که مشخصاً به بهبود داورهای ارزشی اختصاص یافته باشد (اسمیت، 1382). اسمیت در یک تحقیق، مدیران را از لحاظ سه ویژگی ذهن فلسفی با هم مقایسه کرد و به این نتیجه رسید مدیری که در تفکر خود جامع، عمیق و انعطاف پذیر باشد در اعمال خود نسبت به مدیری که تفکرش فاقد چنین کیفیتی باشد، تأثیر متفاوت دارد

<sup>15</sup> -Mayer, Salvo

<sup>16</sup> -Bar-on

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

(شریعتمداری، 1374). پس ضرورت دارد رابطه میان ذهنیت فلسفی و ابعاد آن با هوش هیجانی مدیران در مدارس متوسطه شهرستان دورود مورد بررسی قرار گیرد.

### روش

با توجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. روش‌های آماری توصیفی زمانی به کار برده می‌شوند که توده‌ای از اطلاعات کمی برای تفسیر گردآوری می‌شود و ابتدا لازم است آن‌ها به صورتی که به روشنی قابل فهم و انتقال باشند، سازمان بندی و خلاصه شوند. روش‌های آماری توصیفی همیشه برای تعیین و بیان ویژگی‌ها یا اطلاعاتی که به وسیله ی پژوهشگران جمع‌آوری شده‌اند به کار برده می‌شوند (دلاور، 1383، ص 3). همبستگی رابطه بین دو متغیر را در یک جامعه توصیف می‌کند. وجود همبستگی بین متغیرها به این معنی نیست که یک متغیر علت متغیر دیگر است. در آمار همبستگی به رابطه بین دو یا چند متغیر که قابل تبدیل به مقدار هستند اطلاق می‌شود و شاخص آماری که میزان و حدود رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد ضریب همبستگی<sup>17</sup> نامیده می‌شود (همان: ص 144). این تحقیق به دنبال شناسایی رابطه بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه شهرستان دورود است. پس بر اساس تعاریف فوق تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری که شامل مجموعه‌ی اعضای حقیقی یا فرضی است که نتایج پژوهش به آن انتقال داده می‌شود. (دلاور، 1385). در این تحقیق براساس آمار نامه اداره آموزش و پرورش شهرستان دورود تعداد مدیران مدارس متوسطه در سال تحصیلی 93-1392 شامل 101 مدیر می‌باشد. نمونه گروهی از اعضای یک جامعه تعریف شده است که اطلاعات مورد نیاز پژوهش به کمک آن حاصل می‌شود (دلاور، همان). در این تحقیق با توجه به اینکه جامعه آماری مدیران متوسطه شهرستان دورود تعداد کمی را شامل می‌شود بنابراین حجم نمونه برابر با جامعه آماری در نظر گرفته می‌شود. در این تحقیق با توجه به اهداف تحقیق یا به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون سوالات تحقیق از روش پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه ذهنیت فلسفی بر اساس مدل اسمیت که توسط فخر السادات سیف هاشمی در سال 1382 در اصفهان تهیه شده و به منظور بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه اصفهان به کار گرفته شده است، این پرسشنامه حاوی تعداد 30 گویه است. در این پرسشنامه پاسخ گویه‌های تحقیق از نوع سوالات بسته است که در آن از مقیاس لیکرت استفاده شده است و هر یک از گویه‌های پرسشنامه دارای پنج گزینه شامل کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم است و به ترتیب نمرات 1، 2، 3، 4، 5 به آن‌ها اختصاص داده شده است، برای گویه‌های بی جواب نمره ای در نظر گرفته نشده است که مدیران میزان موافقت خود را نسبت به آن‌ها تعیین نموده‌اند. گویه 1 الی 10: مربوط به بعد جامعیت ذهنیت فلسفی گویه 11 الی 20 مربوط به بعد تعمق ذهنیت فلسفی گویه 21 الی 30 مربوط به بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی می‌باشد. با توجه به این که پرسشنامه ذهنیت فلسفی توسط خانم فخر السادات سیف هاشمی در مدارس متوسطه شهر اصفهان به کار گرفته شده است این پرسشنامه با استفاده از دیدگاه اساتید محترم رشته فلسفه و روان‌شناسی دانشکده ی علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی مورد تأیید قرار گرفته و استفاده شده است با این وجود محقق در پژوهش حاضر برای اطمینان بیشتر، از دیدگاه‌ها و نظرات اساتید محترم راهنما و مشاور استفاده

17 - correlation coefficient

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

نموده و از روایی صوری و محتوایی برخوردار شده است. در تحقیق حاضر پس از اجرای آزمایشی بر روی 30 نفر از افراد نمونه تمام مقاطع مورد مطالعه با استفاده از نرم افزار spss به روش ضریب آلفای کرونباخ برابر با 0/83 بر آورد شده نتیجه به دست آمده بیانگر آن است که پرسشنامه ذهنیت فلسفی از پایایی قابل قبولی برخوردار است. **آزمون هوش هیجانی** سیبریا شرینگ<sup>18</sup>، یکی از ابزار های مورد استفاده می باشد که در قالب مقیاس شش گزینه ای لیکرت تنظیم شده است. فرم اصلی این آزمون دارای 28 سوال است. هر سوال حاکی از یک موقعیت زندگی می باشد، آزمودنی باید خود را در آن موقعیت قرار دهد و یکی از گزینه ها را با حالات روحی - روانی او سازگاری بیشتری دارد انتخاب کند. لازم به ذکر است که این آزمون توسط گنجی (1384) هنجار یابی شده است. برای تعیین اعتبار این آزمون دانشجویان دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد های رود هن و ساوه تحت آزمایش قرار گرفته اند. ضرایب اعتبار به دست آمده بین نمرات او، نوبت اجرا برای چهار مهارت تشکیل دهنده ی هوش هیجانی و جمع کل نمرات (هوش هیجانی) به شرح زیر است:

خود آگاهی 0/73 - خود مدیریتی 0/87 - آگاهی اجتماعی 0/78، مدیریت روابط 0/76 و در کل هوش هیجانی 0/90 همه ضرایب در سطح 0/99 معنی دار و تعداد آزمودنیها در این محاسبه 36 نفر بوده است. به علاوه آزمون در گروه 284 نفری که 145 پسر و 139 دختر فقط یک بار اجرا شده و ضریب اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای گروه های پسران و دختران و کل گروه 0/88 به دست آمده است همه ی سوالات با کل آزمون همبستگی مثبت معنا دارند. همه ضرایب به دست آمده، در سطح 0/99 معنا دار است. سوالات این آزمون مربوطه به ابعاد هوش هیجانی است که نمره هر کدام از آن ها جداگانه محاسبه گردید. این مولفه ها عبارتند از: خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی، و مدیریت روابط می باشد. جهت تعیین روایی و پایایی پرسشنامه هوش هیجانی که در واقع درجه ی دقت و صحت اندازه گیری است، پرسشنامه ابتدا جهت روا بودن آن به لحاظ استاندارد بودن آن بین چند نفر از اساتید و همچنین اساتید راهنما و مشاور مورد مشاهده و بازبینی قرار گرفت. سپس جهت بر آورد اعتبار آن در یک نمونه 30 نفری از جامعه آماری اجرا شد و با استفاده از آلفای کرونباخ که برای محاسبه ی هماهنگی درونی پرسشنامه ها به کار می رود ضریب پایایی پرسشنامه محاسبه گردید که این ضریب برای پرسشنامه مذکور 0/84 به دست آمد. محقق پس از بیان اهداف تحقیق به مدیران مدارس متوسطه شهرستان دورود و کسب رضایت و جلب همکاری آن ها اقدام به انجام پژوهش نموده. بر این منظور با مراجعه به کارگزینی آن اداره، داده های مربوط به موضوع جمع آوری و بعد از کد گذاری پرسشنامه ها به صورت مسلسل اطلاعات مندرج در برنامه نرم افزار SPSS درج گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده های آماری و بررسی فرضیه های پژوهش با بهره گیری از نرم افزار spss. آمارهای توصیفی و آزمون های استنباطی متناسب با نوع داده ها و متغیرها استفاده می گردد که شامل دو بخش است.

1- آمار توصیفی شامل: میانگین، انحراف معیار، جداول فراوانی و نمودار های مربوطه.

2- آمار استنباطی شامل: ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام.

برای تجزیه و تحلیل داده های آماری و بررسی سئوالات تحقیق با بهره گیری از نرم افزار آماری SPSS<sup>19</sup>، از آماره های توصیفی و آزمون های استنباطی متناسب با نوع داده ها و متغیرها استفاده گردید، بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای ستونی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، سن، سنوات خدمت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی)

<sup>18</sup> - Siberia shirnk

<sup>19</sup> -statistical package for the social sciences

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

پاسخگویان پرداخته شد. برای تجزیه و تحلیل سئوالات یکم تا چهارم تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون<sup>20</sup> بهره گرفته شد، و برای تعیین سهم هر کدام از متغیرهای پیش‌بین (ابعاد ذهنیت فلسفی) در تبیین تغییرات متغیر ملاک (هوش هیجانی)، تحلیل رگرسیون چندگانه<sup>21</sup> به روش گام به گام<sup>22</sup> به کار برده شد و برای تحلیل سئوالات پنجم و ششم تحقیق از آزمون t گروه‌های مستقل<sup>23</sup> بهره گرفته شده است.

### یافته‌های توصیفی

#### توصیف پاسخگویان بر حسب جنسیت

جدول 1: توزیع فراوانی و درصد مربوط به جنسیت پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	65	64/4	64/4
زن	36	35/6	100/0
کل	101	100/0	

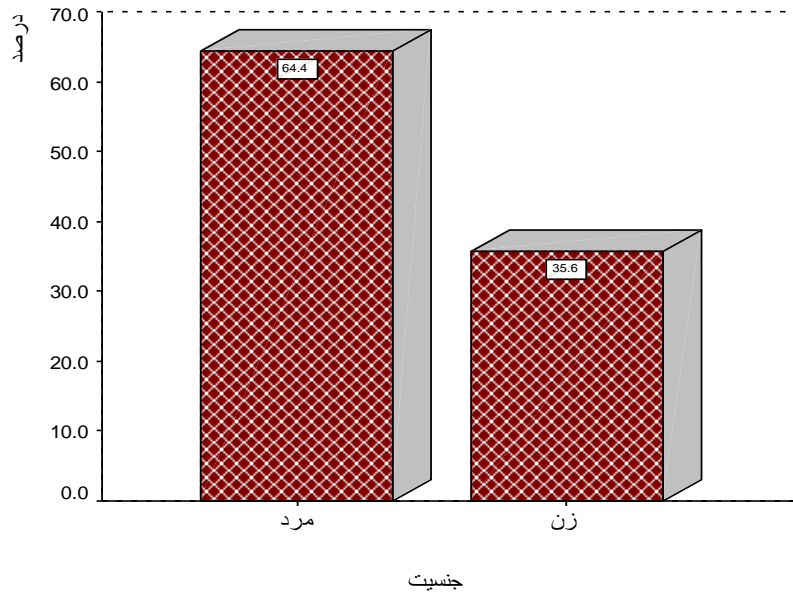
<sup>20</sup> - Pearson correlation

<sup>21</sup> - multiple regression

<sup>22</sup> - stepwise

<sup>23</sup> - independent samples t test





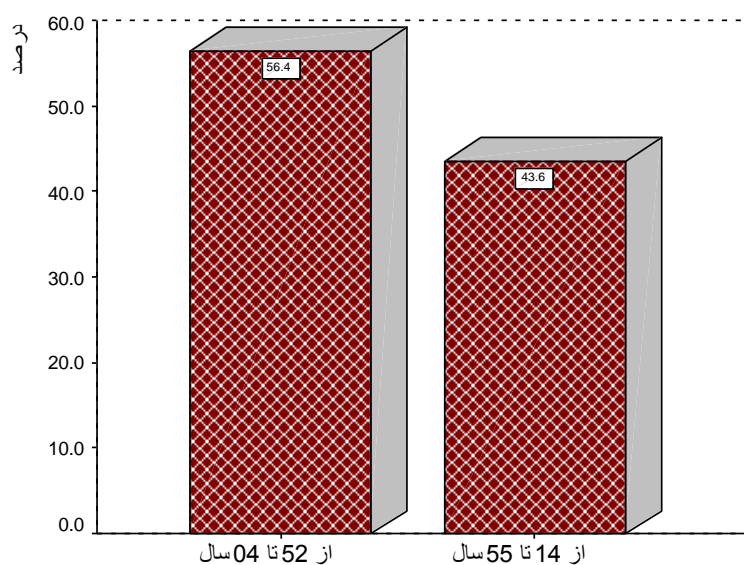
نمودار 1: درصد توزیع فراوانی مربوط به جنسیت پاسخگویان

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار 1 نشان می‌دهد، 64/4 درصد پاسخگویان، مرد و 35/6 درصد زن می‌باشند.

توصیف پاسخگویان بر حسب سن

جدول 2: توزیع فراوانی و درصد مربوط به سن پاسخگویان

سن	گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
از 18 تا 38 سال	جوان و میان سال	57	56/4	56/4
از 39 تا 48 سال	بزرگ سال	44	43/6	100/0
کل		101	100/0	



سن

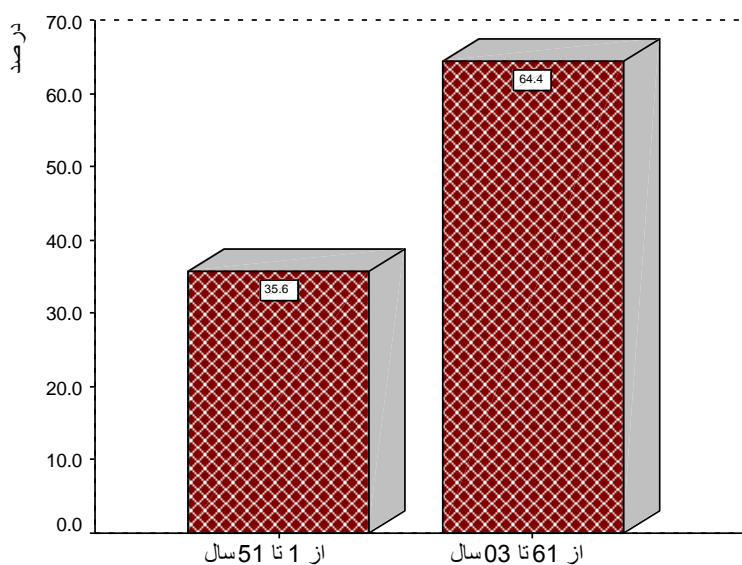
نمودار 2: درصد توزیع فراوانی مربوط به سن پاسخگویان

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار 2 نشان می‌دهد، 56/4 درصد پاسخگویان، بین 18 تا 38 سال سن دارند و 43/6 درصد سن‌شان بین 39 تا 49 سال است. لازم به توضیح است که گروه سنی 18 تا 28 سال (رده سنی جوان) با فراوانی 5 نفر با گروه 29 تا 38 سال (رده سنی میان‌سال) با فراوانی 52 نفر ادغام شده‌اند.

توصیف پاسخگویان بر حسب سنوات خدمت

جدول 3: توزیع فراوانی و درصد مربوط به سنوات خدمت پاسخگویان

سنوات خدمت	میزان سنوات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
از 1 تا 15 سال	کم و متوسط	36	35/6	35/6
از 16 تا 30 سال	بالای متوسط	65	64/4	100/0
کل		101	100/0	



سنوات خدمت

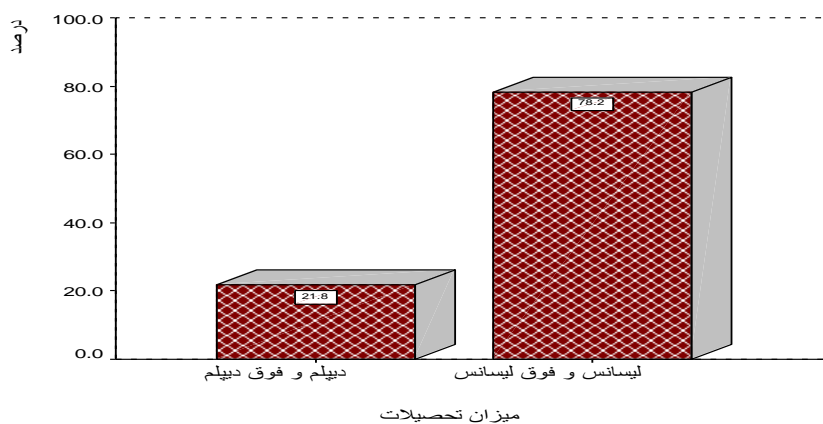
نمودار 3: درصد توزیع فراوانی مربوط به سنوات خدمت پاسخگویان

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار 3 نشان می‌دهد، 35/6 درصد پاسخگویان، بین 1 تا 15 سال سابقه خدمت دارند و 64/4 درصد بین 16 تا 30 سال خدمت نموده‌اند. لازم به توضیح است که گروه با سنوات 1 تا 5 سال (سابقه کم) با فراوانی 8 نفر با گروهی که سابقه بین 6 تا 15 سال (سابقه متوسط) با فراوانی 28 نفر ادغام شده‌اند.

توصیف پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

جدول 4: توزیع فراوانی و درصد مربوط به میزان تحصیلات پاسخگویان

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دیپلم و فوق دیپلم	22	21/8	21/8
لیسانس و فوق لیسانس	79	78/2	100/0
کل	101	100/0	



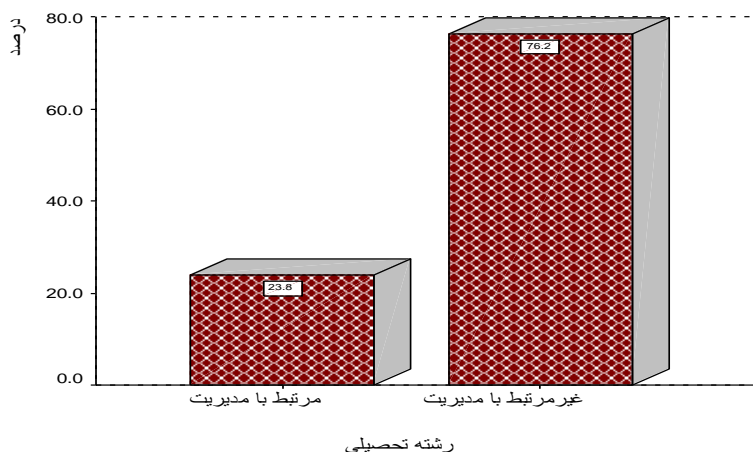
نمودار 4: درصد توزیع فراوانی مربوط به میزان تحصیلات پاسخگویان

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار 4 نشان می‌دهد، 21/8 درصد پاسخگویان، دارای مدارک تحصیلی دیپلم یا فوق دیپلم می‌باشند و 78/2 درصد مدارک تحصیلی لیسانس یا فوق لیسانس دارند. لازم به توضیح است که پاسخگویانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم بوده‌اند با فراوانی 3 نفر با پاسخگویانی که مدرک تحصیلی فوق دیپلم داشته‌اند با فراوانی 19 نفر ادغام شده‌اند و همچنین پاسخگویانی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده‌اند با فراوانی 9 نفر با پاسخگویانی که مدرک تحصیلی لیسانس داشته‌اند با فراوانی 70 نفر ادغام شده‌اند.

توصیف پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

جدول 5: توزیع فراوانی و درصد مربوط به رشته تحصیلی پاسخگویان

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرتبط با مدیریت آموزشی	24	23/8	23/8
غیرمرتبط با مدیریت آموزشی	77	76/2	100/0
کل	101	100/0	



نمودار 5: درصد توزیع فراوانی مربوط به رشته تحصیلی پاسخگویان

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار 5 نشان می‌دهد، 23/8 درصد پاسخگویان، در رشته‌های تحصیلی مرتبط با مدیریت آموزشی تحصیل نموده‌اند و 76/2 درصد در رشته‌های تحصیلی غیرمرتبط با مدیریت آموزشی تحصیل نموده‌اند.

یافته‌های تحقیق  
فرضیه کلی

بین ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول 6 نشان داده شده است.

جدول 6: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی

متغیر x	متغیر y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
ذهنیت فلسفی	هوش هیجانی	0/435**	101	0/001

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

همان طوری که نتایج جدول 6، نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/435$ )، در سطح آلفای (خطای نوع اول)  $0/01$  معنی‌دار است ( $sig<0/01$ )، لذا چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه 1 تحقیق

بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول 7 نشان داده شده است.

جدول 7: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی

متغیر x	متغیر y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
بعد جامعیت	هوش هیجانی	0/476**	101	0/001

همان طوری که نتایج جدول 7، نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/476$ )، در سطح آلفای (خطای نوع اول)  $0/01$  معنی‌دار است ( $sig<0/01$ )، لذا چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد جامعیت ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه 2 تحقیق

بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول 8 نشان داده شده است.

جدول 8: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی

متغیر x	متغیر y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
بعد تعمق	هوش هیجانی	0/366**	101	0/001

همان طوری که نتایج جدول 8، نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/366$ )، در سطح آلفای (خطای نوع اول)  $0/01$  معنی‌دار است ( $sig<0/01$ )، لذا چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد تعمق ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه 3 تحقیق

بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی،

Psychology and Educational Sciences  
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول 9 نشان داده شده است.

جدول 9: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی

متغیر x	متغیر y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
بعد انعطاف پذیری	هوش هیجانی	0/262**	101	0/008

همان طوری که نتایج جدول 9، نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/262$ )، در سطح آلفای (خطای نوع اول)  $0/01$  معنی‌دار است ( $sig<0/01$ )، لذا چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد.

ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

جدول 10: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین ابعاد ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی

متغیرها	بعد جامعیت	بعد تعمق	بعد انعطاف پذیری	هوش هیجانی
بعد جامعیت	1			
بعد تعمق	0/511**	1		
بعد انعطاف پذیری	0/572**	0/567**	1	
هوش هیجانی	0/476**	0/366**	0/262**	1

\*\*sig<0/01 n=101

همان طوری که نتایج جدول 10، نشان می‌دهد، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/476$ ،  $sig<0/01$ )، بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/366$ ،  $sig<0/01$ ) و بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی ( $r=0/262$ ،  $sig<0/01$ ) وجود دارد، یعنی با افزایش نمرات ابعاد ذهنیت فلسفی در بین مدیران، نمرات هوش هیجانی آنان نیز افزایش می‌یابد. تعیین سهم ابعاد ذهنیت فلسفی در پیش بینی هوش هیجانی

جدول 11: ضرایب همبستگی چندگانه (R)، ضرایب تعیین ( $R^2$ ) و آزمون‌های معنی‌داری مربوطه (F)

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	متغیرهای پیش‌بین با قیمانده در تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین ( $R^2$ )	آماره - F	سطح معنی داری (Sig)
هوش هیجانی	ابعاد ذهنیت فلسفی	بعد جامعیت	0/476	0/227	29/043	= 0/001 Sig

همان طوری که نتایج جدول 11 نشان می‌دهند، تحلیل رگرسیون اجرا شده در یک گام صورت گرفته است. در این گام از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل یعنی ابعاد ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری)، بر اساس بیشترین سطح



# Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

معناداری تنها بعد جامعیت، در تحلیل باقی مانده است که حدود 23 درصد از واریانس نمرات هوش هیجانی را تبیین می‌کند ( $R^2=0/227$ ,  $sig<0/01$ ).

جدول 12: ضرایب رگرسیونی استاندارد شده ( $\beta$ ) و آزمون‌های معنی‌داری مربوطه (t)

سطح معنی‌داری (Sig)	آماره t-	ضرایب استاندارد بتا ( $\beta$ )	متغیرهای پیش بین	وضعیت متغیرها
P = 0/001	5/389	0/476	بعد جامعیت	متغیر وارد شده در تحلیل
P = 0/105	1/636	0/167	بعد تعمق	متغیرهای خارج شده از تحلیل
P = 0/885	0/145	0/016	بعد انعطاف پذیری	

بر اساس اطلاعات جدول 12، ضرایب رگرسیونی بتا ( $\beta$ )، نشان می‌دهند که تنها، بعد جامعیت ( $\beta=0/476$ ,  $sig<0/01$ ) از قابلیت پیش‌بینی کنندگی نمرات هوش هیجانی برخوردار است و ابعاد تعمق و انعطاف پذیری، به دلیل عدم قابلیت پیش‌بینی کنندگی، از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند ( $sig>0/05$ )؛ لذا معادله ی رگرسیون را می‌توان به صورت مقابل نوشت: (بعد جامعیت)  $\times 0/476 =$  هوش هیجانی؛ یعنی به ازای یک انحراف‌معیار تغییر در نمرات بعد جامعیت ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی به اندازه ی 0/476 انحراف‌معیار افزایش می‌یابد.

### فرضیه 5 تحقیق

بین ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی آنان (سن، جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت)، تفاوت وجود دارد. از آنجایی که مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی به دو گروه مستقل تقسیم شده‌اند لذا برای مقایسه ذهنیت فلسفی آنان، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده گردیده که نتایج آن در قالب جدول 13 نشان داده شده است.



Psychology and Educational Sciences  
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

جدول 13: مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی آنان

متغیره 1	گروه‌ها	شاخص‌های توصیفی			آزمون t گروه‌های مستقل		
		تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره z	درجه آزادی	سطح معنی داری (g si)
سن	از 18 تا 38 سال (جوان و میان‌سال)	57	118/65	12/14	2/389	99	0/019
	از 39 تا 49 سال (بزرگ سال)	44	124/27	11/18			
جنسیت	مرد	65	119/31	11/98	2/047	99	0/043
	زن	36	124/33	11/51			
رشته تحصیلی	مرتبط با مدیریت آموزشی	24	119/17	9/96	0/902	99	0/369
	غیرمرتبط با مدیریت آموزشی	77	121/70	12/57			
میزان تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	22	123/41	13/80	1/021	99	0/310
	لیسانس و فوق لیسانس	79	120/46	11/47			
سنوات خدمت	از 1 تا 15 سال (سابقه کم و متوسط)	36	115/89	11/36	3/415	99	0/001
	از 16 تا 30 سال (سابقه با لای متوسط)	65	123/98	11/44			

بر اساس اطلاعات جدول 13، میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سن آنها بین 39 تا 49 سال است (124/27)، به طور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سن آنها بین 18 تا 38 سال می‌باشد (118/65) بیشتر است ( $sig < 0/05$ ). میانگین ذهنیت فلسفی مدیران زن (124/33)، به طور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیران مرد (119/31) بیشتر است ( $sig < 0/05$ ). میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سابقه خدمت آنها بین 16 تا 30 سال قرار دارد (123/98)، به طور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که بین 1 تا 15 سال سابقه کاری دارند (115/89) بیشتر است ( $sig < 0/01$ )، ولی بین ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب رشته تحصیلی و میزان تحصیلات آنان تفاوت معناداری وجود ندارد ( $sig > 0/05$ ).

فرضیه 6 تحقیق  
آیا بین هوش هیجانی فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی آنان (سن، جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت)، تفاوت وجود دارد؟

Psychology and Educational Sciences  
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

از آنجایی که مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی به دو گروه مستقل تقسیم شده‌اند لذا برای مقایسه هوش هیجانی آنان، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده گردیده که نتایج آن در قالب جدول 14 نشان داده شده است.

جدول 14: مقایسه هوش هیجانی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی آنان

متغیره 1	گروه‌ها	شاخص‌های توصیفی			آزمون t گروه‌های مستقل		
		تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره z	درجه آزادی	سطح معنی داری
سن	از 18 تا 38 سال (جوان و میان‌سال)	57	102/07	14/99	0/203	99	0/840
	از 39 تا 49 سال (بزرگ سال)	44	102/68	15/08			
جنسیت	مرد	65	99/51	15/93	2/628	99	0/010
	زن	36	107/44	11/55			
رشته تحصیلی	مرتبط با مدیریت آموزشی	24	105/13	14/04	1/046	99	0/298
	غیرمرتبط با مدیریت آموزشی	77	101/47	15/22			
میزان تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	22	99/59	18/73	0/973	99	0/333
	لیسانس و فوق لیسانس	79	103/10	13/77			
سنوات خدمت	از 1 تا 15 سال (سابقه کم و متوسط)	36	98/53	18/41	1/930	99	0/056
	از 16 تا 30 سال (سابقه بالای متوسط)	65	104/45	12/31			

بر اساس اطلاعات جدول 14، میانگین هوش هیجانی مدیران زن (107/44)، به طور معناداری از میانگین هوش هیجانی مدیران مرد (99/51) بیشتر است (sig=0/01)؛ ولی بین هوش هیجانی مدیران بر حسب سن، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت آنان تفاوت معناداری وجود ندارد (sig>0/05).

### بحث و نتیجه گیری

فرضیه کلی تحقیق: بین ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه رابطه وجود دارد.

با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون بدست آمده (جدول 6) بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران، می‌توان گفت که بین ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی با اطمینان بالای 99 درصد رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد یعنی با افزایش نمرات مربوطه به ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می‌یابد. پس بنابراین فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های سیف هاشمی (1382)، نوری (1390)، جاویدی (1384) در داخل کشور و اسمیت

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

(1965)، سالووی (2001)، مورای (1996) و راسکین (1995) در خارج از کشور مبنی بر وجود رابطه مثبت بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران همخوانی دارد.

لازم به ذکر است که هیچ گونه پژوهش یا مطالعه ای که همزمان رابطه دو متغیر ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران مدارس مورد بررسی قرار دهد، توسط محقق مشاهده نگردیده است.

**فرضیه 1 تحقیق:** بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی (جدول 7) نشان می دهد که ضریب همبستگی پیرسون بین بعد جامعیت ذهنیت با هوش هیجانی چنین استنباط می شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی، رابطه ی مثبت و معنی دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد جامعیت ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه پژوهشی مبنی بر رابطه بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران تأیید می شود. نتیجه این تحقیق با تحقیقات سیف هاشمی (1383)، نوری (1390)، جاویدی (1384)، در داخل کشور و با اسمیت در خارج از کشور مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی دار بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت و همچنین تغییر و نوآوری مدیران همخوانی دارد.

**فرضیه 2 تحقیق:** بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی (جدول 8) که نشان می دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی چنین استنباط می شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین تعمق ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی، رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد تعمق ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی مدیران تأیید می شود. نتیجه فوق با یافته های تحقیقات سیف هاشمی، نوری، جاویدی در داخل کشور و اسمیت در خارج از کشور مبنی بر رابطه مثبت و معنی دار بین ذهنیت فلسفی و میزان تغییر و نوآوری آموزشی مدیران همخوانی دارد.

**فرضیه 3 تحقیق:** بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران رابطه وجود دارد. با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی (جدول 9) که چنین نشان می دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی معنی دار است لذا، چنین استنباط می شود که با اطمینان بالای 99 درصد بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و هوش هیجانی، رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی، نمرات هوش هیجانی نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی با هوش هیجانی مدیران تأیید می شود. نتیجه بدست آمده از این سوال با نتایج تحقیقات، سیف هاشمی، نوری، جاویدی در داخل کشور و اسمیت در خارج از کشور مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی دار بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران همخوانی دارد.

**فرضیه 4 تحقیق:** بین ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناسی آنان (سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت) تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون t گروه های مستقل (جدول 13) که برای مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناسی آنان صورت گرفته نشان می دهد که میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سن آنها بین 39-48 است به طور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سن آنها بین 38-18 سال می باشد بیشتر است. میانگین ذهنیت فلسفی مدیران زن به طور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیران مرد بیشتر است. میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که سابقه خدمت آنها بین 16-30 سال قرار دارد بطور معناداری از میانگین ذهنیت فلسفی مدیرانی که بین 1-15 سال سابقه کاری دارند بیشتر است. ولی

بین ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب رشته تحصیلی و میزان تحصیلات آنان تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تفاوت بین ذهنیت فلسفی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناسی آنان (سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت) تفاوت وجود دارد و تأیید می شود. نتیجه این سوال با تحقیقات سیف هاشمی در داخل کشور و اسمیت در خارج از کشوری مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی دار بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران همخوانی دارد.

فرضیه 5 تحقیق: بین هوش هیجانی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی آنان (سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و سنوات خدمت) تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون t گروه های مستقل (جدل 14) که برای مقایسه هوش هیجانی مدیران بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی آنان اجرا شد، نشان می دهد که میانگین هوش هیجانی مدیران زن بطور معناداری از میانگین هوش هیجانی مدیران مرد بیشتر است. ولی بین هوش هیجانی مدیران بر حسب سن، رشته تحصیلی و سنوات خدمت آنان تفاوت معناداری وجود ندارد. نتیجه این سوال با تحقیقات کمالی (1383)، ثمری (1384) در داخل کشور و با سالووی و گلن در خارج از کشور مبنی بر رابطه مثبت و معنی دار بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان همخوانی دارد.

#### پیشنهادات تحقیق

- 1- این موضوع پژوهش برای دیگر دوره های تحصیلی نیز انجام شود و نتایج با این پژوهش مقایسه شود.
- 2- باتوجه به اینکه پژوهش حاضر در شهرستان دورود و با ویژگی های خاص فرهنگی آن انجام شده است، پیشنهاد می گردد که پژوهش های بعدی در سایر نقاط استان و کشور نیز انجام شود و نتایج با این پژوهش مقایسه شود.
- 3- با توجه به اینکه پژوهش حاضر تنها بر روی مدیران آموزشی صورت گرفته است لذا پیشنهاد می گردد که پژوهش های بعدی مدیران اداری مسئول در ادارات کل آموزش و پرورش و نواحی نیز به عنوان نمونه، مدنظر قرار گیرند.
- 4- استفاده از روش های خود گزارش دهی نظیر پرسشنامه، به عنوان روش های متداول در اندازه گیری متغیرهای شخصی، اطلاعات کاملاً منطبق بر واقعیت ارائه نمی دهند. بنابراین توصیه می گردد که از روش های مشاهده و مصاحبه نیز استفاده گردد.

#### منابع و ماخذ

- 1- اسمیت، ف.، 1382، ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، ترجمه محمد رضا بهرنگی، تهران، انتشارات کمال تربیت.
- 2- اسمیت، ف. ج.، گوردون هولفیش، ا. ج.، 1373، تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت، ترجمه علی شریعتمداری، تهران، انتشارات سمت.
- 3- بهرنگی، م. م. ر.، 1382، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، تهران، انتشارات کمال تربیت.
- 4- جاویدی کلاته جعفرآبادی، ط.، 1384، ذهنیت فلسفی و سبک رهبری مدیران در نظام آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مطالعات تربیتی و روانشناسی 216 تا 234.
- 5- جوانمرد، م.، 1380، بررسی ادراکات مدیران و دبیران نسبت به مهارت های روابط انسان مدیران و دبیرستان شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
- 6- دلاور، ع.، 1385، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، ویراست چهارم، تهران، نشر ویرایش، 89.
- 7- دلاور، ع.، 1383، احتمالات و آمار کاربردی در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران، رشد.
- 8- سیف هاشمی، ف. ا.، رجایی پور، س.، 1382، بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران متوسطه شهر اصفهان، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 77.



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

- 9- شریعتمداری، ع.، 1373، فلسفه تربیت پرورش فکر، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- 10- شریعتمداری، ع.، 1374، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- 11- علاقه بند، ع.، 1371، مبانی و اصول مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات بعثت.
- 12- گلمن، د.، 1382، هوش هیجانی ترجمه نسرین پارسا، انتشارات رشد.
- 13- مختاری پور، م.، مهیاری، س. ع.، 1384، هوش هیجانی و پیشرفت شغلی، نشریه کار و جامعه، شماره 61، اردیبهشت ماه 1384، ص 4-6.
- 14- Bar-on, R., Parker, J.D.A (2002). In troduction. Inr. Bar-on, J.D.A. Parker (EDs).
- 15- Golman, D. 1995, Emotional Intelligence, New York. Bantam Books.
- 16- Kochemba and murray, Examine the perceptions of administrators and teachers toward critical leadership skills 1996. New york pp: 10.
- 17- Mayer, J:D. salovoy, P, scaruso. D, 2002, Ability model. Miyedmode ls, Emotional Intelligence. In Reuren Baron. And James. P.A. Parker (Eds) the Hand book of Emotional Intelligence. San Francisco: Jossey Bass, wiley company.
- 18- Raskin, R (1995). Narcissism and crativity. Jhonal of research and development in education. Vol. 15-. No.20pp:20-30.
- 19- Smith, Philip, G. (1965). what I philosophy education. U. S. A.
- 20- Wesinger, H, 1998, Emotional Intelligence, at work. 1th Ed jossy Bass.